

غلامرضا شجاعی نیا معلم دیروز و کار آفرین موفق امروز

سرایان در اندیشه فردایی بهتر

گفتگو با غلامرضا شجاعی نیا مدیرعامل توانمند
کارخانه خوراک دام و طیور امیدسبز سرایان

اشاره: اینجاسرایان است، خاستگاه مدیر طلایی کشور غلامرضا شجاعی نیا و مجموعه فاخر و اشتغال آفرین به نام امید سبز سرایان، اقلیمایی که غبار محرومیت چهره اش را پوشانده است و هر از گاهی کورسوهای امیدی را در افق های دور می توان دید و فردایی دیگر و روز از نو و روزی از نو. در فاصله ای نه چندان دور از مرکز استان خراسان جنوبی شهری استقرار یافته است که مردمانش به مهربانی و تلاش و دین مداری زبانزدند، در دامان طبیعت و جغرافیای این دیار، در امتداد مناطق سرسبز دره ی مصعبی و کمی آنسوی تر قاره ی اژدی های روستای چرمه و مناطق ییلاقی آمین، بوسی، خاور اولیا و سفلی، قلعه ی غلا، پیر اباذر، امامزاده های سلطان کریم شاه، سلطان ابوالقاسم، شاهزاده افضل، امامزاده مصیب، سلطان ابوالقاسم و توران شاه و غیره و غیره، یکی هست که صدایش صدای زندگی و نگاهش ترجمان بندگی است. او که از دوران کودکی از کوچه و پس کوچه های شهرش و دنیا دنیا مهربانی مردمانش خاطره ها دارد و در شهر مانده است تا شهر بماند، تا هزاران نفر بمانند، تا شهر نفس بکشد، تا غبار محرومیت و مظلومیت را از جای جای شهر ببرد، دیوارها را بردارد، سقف آسمان را به رنگ آبی عشق نقاشی کند و به فردا سلامی دوباره. آری صحبت از غلامرضا شجاعی نیاست و سرایان که خاستگاه اوست. همان معلم دیروز که عشق و مهربانی و دغدغه ی فردای سرایان در نگاهش موج می زند و کارآفرین امروزی که هرآنچه که دارد را در طبق اخلاص نهاده تا چراغ اقتصاد شهر روشن بماند. کارخانه خوراک دام امید سبز سرایان برای شجاعی نیا فقط یک بهانه است، بهانه ای برای باز هم درس دادن، چه فرقی می کند کانون علم مدرسه باشد یا کارخانه، معلمش یک آموزگار باشد یا یک کارآفرین. مهم این است که ردای خدمت به تن کنیم و بس. چه فرقی می کند در تهران و مشهد و اصفهان و شیراز باشیم یا در بیرجند و سرایان. چه تفاوتی دارد که من کار بیافرینم یا تو. ببینید این کارگران را که از بامدادان تا پاسی از نیمروز گذشته چه امیدوار و چه با شکوه آستین همت بالا زده اند. شغلی دارند و سری و سامانی، هر چند اندک. می دانند همین آب باریکه نیز مغتنم است و خداوند را شاکرند. بشنوید این صدای پای فردا از صدای پای زندگی است، فردایی که تا رسیدن به مدینه فاصله فاصله ای نیست، فردای من، فردای تو و فردای فرزندان امروز سرایان، دانش آموزان امروز و معلمان فردا، کارگران امروز و کارفرمایان فردا. نخبگان امروز و مدیران فردای این آب و خاک. کجایند دستان توانمند و افکار بلندی که با دستان نوازشگر، خاک را به هنر کیمیا کنند؟ کجایند شجاعی ها و امیدهای سبز سرایان؟ امروز و این بار میخوامیم از بتن و بتن خاکی که غریبانه چشم به فردا دوخته است و ناله ها و گالیه ها دارد، قصه زندگی یک مدیر دیگر را روایت کنیم، او که هنوز خود را وام دار شهر و شهروندان می داند، اما نمی دانیم چرا او می دانیم که شهر و شهروندان وام دار اویند. شجاعی نیا روزگاری معلمی مهربان بود و امروز هم هست. مدیری توانمند و کارآفرینی ارزش آفرین که الفبای زندگی را از همین کوچه و پس کوچه های سرایان و شب نشینی با بزرگان، از حرکت در مسیر ارزش ها و باورهای اصیل و روزگار مدرسه و نیمکت نشینی ها و زمانه ی معلمی و همراهی نیمکت نشینان آموخت و با رفتار و گفتاری شفاف و صادقانه با مردم داری و قانون مداری، با تعهد و تخصص و البته با مسئولیت پذیری پاسخگوی نیاز شهروندان و روستائیان و کشاورزان و دامداران می باشد. در شهرک صنعتی سرایان و محل دفتر کارخانه خوراک دام امید سبز سرایان با غلامرضا شجاعی نیا از هر دری سخن گفتیم. از دیروز و امروز و فردا از اهداف و برنامه ها از عملکرد و بایدها و نبایدهای خوراک دام تا خوراک انسان، از روزگار معلمی تا امروز کارآفرینی، از لزوم اعتماد و حمایت بخش خصوصی و مشکلات و راه های برون رفت از آن. پیام شجاعی نیا پیام خدمت و زدودن غبار فقر و محرومیت از چهره ی شهری است که مردمانش را به نجابت و صبوری می شناسیم. از سرایان، از نیازها و ظرفیت های سرمایه گذاری در آن.

در آغاز سخن خود را معرفی فرمایید:

اینجانب غلامرضا شجاعی نیا، دارای مدرک کارشناسی ادبیات، دبیر بازنشسته ادبیات و مدیرعامل شرکت دام و طیور امید سبز سرایان هستم.

از دوران کودکی تا جوانی خود بگویید:

سرایان زادگان من است، خاطرات کودکی من در کوچه و پس کوچه ها، زمین های کشاورزی، زندگی با مردم خوب و مهربان و خونگرم سرایان، بازی های کودکانه، کمک به پدر در کشاورزی و درس و مشق و مدرسه خلاصه می شود. هرگز از درس و آموختن غافل نشده ام و از هر فرصتی برای آندوختن به آموخته های خود استفاده کرده ام. خراسان جنوبی و سرایان منطقه ای محروم و کم برخوردار است و از دوران کودکی عادت کرده ایم که با کمترین هاباسازیم و کنار بیایم. ما ۹ خواهر و برادر هستیم و همیشه خانه و خانواده ی شلوغ و پرجمعیتی داشته ایم، سفره خانه ما بزرگ و هر صبحانه و نهار و شام در کنار خانواده بزرگ، تجربه ی جالبی بوده است. خواهران و برادرانی که امروز هر کدام به شغل و حرفه ی خاصی مشغول هستند و خداوند را شاکرم که همه موفق و در سلامتی روزگار را می گذرانند. خاطرات مدرسه را هرگز از یاد نمی برم، نیمکت هایی که مجبور بودیم سه نفری کنار هم بنشینیم و به درس معلم گوش دهیم، البته من هم

بازیگوشی های خود را به خاطر شرایط سن و سالم داشته ام، گذشت و گذشت ثانویت گرفتن دیپلم و قبولی در دانشگاه شد و ورود به حوزه تعلیم و تربیت.

از نحوه ی ورود به دنیای معلمی بگویید:

از دوران کودکی وقتی از من سوال می شد دوست داری در آینده چه کاره شوی؟ بدون تردید می گفتم: معلم. اینکه بتوانم آموزش دهم، اینکه بتوانم چیزهایی را که می دانم در اختیار بچه ها قرار دهم تا آنها هم آینده خود را بسازند، برایم حائز اهمیت بود. در طول دوران معلمی همیشه سعی کرده ام که متعهد و مسئولیت پذیر بوده و وجدان کاری داشته باشم. بر آینده فرزندان این سرزمین تاثیر بگذارم، خط مشی های زندگی آنها را ترسیم کنم، خوب و بد ها را به آنها بشناسانم، درس من محدود به مطالب کتاب نبود، تلاش می کردم تا الفبای چگونه زیستن و خوب زیستن را هم به بچه ها بیاموزم. هر سال که می گذشت از زندگی در بین بچه ها، از ساعت ها در کنار آنها بودن، لذت می بردم. هم آموزش می دادم و هم می آموختم. بچه هایی که از خانواده هایی با ساده ترین زندگی برخاسته و می خواستند آینده و زندگی خود را سرو سامانی بدهند. امروز بسیاری از آنها شخصیت های موجهی برای خود و جامعه هستند و به وجودشان افتخار می کنم. از راهی که رفته ام هرگز پشیمان نیستم.

و اما قصه ی ورود به اقتصاد و صنعت:

من یک کشاورز زاده ام، از وقتی خود را می شناسم با محصولات و زمین های کشاورزی آشنا بوده و نکته های زیادی را از کار کردن در کنار پدر آموخته ام. پدری که همیشه الگو و بزرگ من بوده است و تا امروز ۳۰ سال است در کنار و همراه من و در این مجموعه به من کمک می کند، به من مشاوره می دهد، در کنار من هست و از بودن در کنارش احساس خوبی دارم. زمان می گذشت و من هر روز یک ایده ای به ذهنم می رسید، انگار آمده بودم تا کارهای بزرگ انجام دهم، به کمترین ها قانع نبوده ام، می خواستم برای منطقه و زادگاه خود فردی مفید و موثر باشم. ورود به صنعت خوراک دام و طیور می توانست ایده ی جالبی باشد و من را اقناع نماید. دست به کار شدم، زمینی و مجوزها و ساخت بنا و بهره برداری و هر روز توسعه و توسعه و توسعه. امروز خوشحالم و مفتخرم که اعلام نمایم یکی از برندهای شاخص منطقه در مبحث تهیه ی خوراک دام و طیور هستیم و صدها و هزاران کشاورز، دامدار و مشتری را در کنار خود داریم، ما امروز خانواده ی بزرگی هستیم و سفره ای بی انتها پهن نموده ایم تا هر کدام از آن ارتزاق نماییم. فعالیت های اقتصادی نقطه ی پایانی ندارد، جا برای رشد و شکوفایی در این مبحث بسیار است، هر روز روزنه ی امیدی هست، هر روز اتفاق تازه ای هست، هر روز

یک گام به جلو بر می داریم و به افق های دور چشم دوخته ایم.

در این مجموعه چه محصولاتی تولید می شود:

انواع خوراک دام سبک، سنگین خوراک دام های شیرده، خشک، بره پروار و طیور

آیا تولید خوراک دام و طیور بر اساس ترکیبات و فرمول خاصی انجام می شود؟

بله، ما براساس جداول و فرمول های خاصی که مورد تایید سازمان های ناظر و متولی می باشد اقدام به تولید محصولات می نمایم، این فرمول ها از طریق اتحادیه، جهاد کشاورزی، پیشنهاد مشتریان و کارشناسان در اختیار ما قرار می گیرد. برخی از این فرمول ها نیز دستاوردهایی است که براساس سالها تجربه حاصل شده و مورد تایید مراجع متولی و ناظر رسمی می باشد.

شرکت خوراک دام طیور امید سبز سرایان چه گام هایی در جهت ایجاد اشتغال افراد بومی برداشته است:

بیست و پنج نیروی بومی به صورت مستقیم و دهها نفر به صورت غیر مستقیم با این مجموعه همکاری دارند. نیروهایی که با تلاش و دلسوزی به این مجموعه یاری رسانده و هر کدامشان در زمره ی بهترین ها هستند. من با صراحت اعلام می نمایم که موفقیت های خود و